

چکیده

اهداء جنین و قالب حقوقی آن کتابی به زبان فارسی با موضوع بررسی حقوقی و فقهی اهداء جنین است. محمد سلطانیه نویسنده کتاب پس از طرح کلیات، ادله قائلان به حرمت اهداء جنین را به تفصیل مطرح کرده و تمام ادله را در ترازوی نقد قرار داده و رد می‌کند. او سپس به دلایل قائلان به جواز پرداخته و مهم‌ترین دلیل جواز این عمل را «اصالت برائت» معرفی می‌کند. مولف که خود قائل به جواز است به علت اجتماعی بودن مسئله لازم می‌داند که برای حل مسئله به ولی‌فقیه مراجعه شود.

مولف سپس به قالب حقوقی اهداء جنین می‌پردازد و پس از طرح عقود مثل صلح، بیع، وکالت و هبه بیان می‌کند که نباید اهداء جنین را در قالب این عقود قرار دهیم، بلکه بایستی ذیل قراردادی قرار گیرد تا اهداکنندگان بتوانند عوضی دریافت کنند زیرا آنان جزوی از فرآیند درمان هستند.

ساختار کتاب

کتاب اهداء جنین و قالب حقوقی آن با موضوع بررسی فقهی و حقوقی اهداء جنین در ۱۵۰ صفحه و به زبان فارسی توسط محمد سلطانیه به رشته تحریر درآمده است. کتاب در سال ۱۳۹۶ش و توسط انتشارات مجد به چاپ رسیده است. کتاب متشکل از یک مقدمه و سه فصل است. فصل نخست به کلیات پرداخته و مفاهیم مورد نیاز و تاریخچه بحث را مطرح می‌کند. فصل دوم به حکم تکلیفی بحث اختصاص داده شده است و به بررسی ادله قائلین به حرمت اهداء جنین و قائلین به جواز آن می‌پردازد. نگارنده در فصل سوم به بحث قالب حقوقی اهداء جنین می‌پردازد. در پایان مولف نتیجه‌گیری کرده و پیشنهاداتی را مطرح می‌سازد. کتاب با ضمائم، منابع و مآخذ به پایان می‌رسد.

کلیات

نویسنده در مبحث اول فصل نخست، در چهار گفتار به بررسی چهار مفهوم می‌پردازد: حکم، اهداء، جنین و ناباروری. نکته مهمی که در بحث «اهداء» مطرح می‌شود این است که در بحث اهداء جنین، اهداء به معنای «هبه» نیست، زیرا هبه در مال یا چیزی است که ارزش مالی داشته باشد، اما اهداء جنین قراردادی غیرمالی محسوب می‌شود (ص ۱۵). مولف در گفتار سوم مراحل تکوین جنین را نیز تشریح می‌کند (ص ۱۸-۲۳). در مبحث دوم فصل نخست نگارنده تاریخچه درمان ناباروری را مطرح ساخته و پس از آن به بحث شیوه‌های درمان ناباروری از منظر پزشکی می‌پردازد (ص ۲۷-۴۳). مولف ضمن بحث از روش‌های باروری، یکی از روش‌های درمان ناباروری را «اهداء جنین» معرفی می‌کند که موضوع این کتاب است (ص ۳۹).

حکم تکلیفی اهداء جنین

نویسنده قبل از بیان حکم تکلیفی اهدای جنین به بیان تفاوت اهدای جنین با اهدای اسپرم می‌پردازد. به گفته او در روش اهداء جنین اسپرم مرد و تخمک زن در آزمایشگاه تلقیح می‌شوند و پس از چند روز جنین شکل گرفته را به رحم زن متقاضی منتقل

می‌کنند؛ در حالی که در اهدای اسپرم، اسپرم مرد به کمک وسایل پزشکی به رحم زن منتقل می‌شود (ص ۴۶). او سپس به بررسی نظرات مخالفان و موافقان اهدای جنین می‌پردازد.

حرمت اهداء جنین

به گزارش نویسنده، فقهای همچون [سید حسین طباطبائی بروجردی](#)، [سید ابوالقاسم خویی](#)، [امام خمینی](#)، [سید محمد رضا گلپایگانی](#)، [سید محسن حکیم](#)، [میرزا جواد](#) در مورد تلقیح تخمک با نطفه بیگانه و [جعفر سبحانی تبریزی](#)، [لطف‌الله صافی گلپایگانی](#) انتقال آن به رحم زن دیگر صراحتاً حکم به عدم جواز کرده و تفاوتی میان حالات آن قائل نشده‌اند، ولی در باب نسب چنین فرزندی، در بعضی حالات حکم ولد الزنا و در بعضی حالات حکم ولد الشبهه را جاری کرده‌اند (ص ۵۰-۵۱).

نگارنده یازده دلیل برای حرمت اهداء جنین از متون فقهی استخراج کرده است که از [۲۱-جمله آنها استناد به آیات قرآن و روایات اهل بیت است. به گفته او، طبق آیات ۳۰](#) و آیات ۲۹-۳۱ سوره معارج حفظ فرج واجب است و چون در آیات، متعلق حفظ [سوره نور](#) ذکر نشده افاده عموم می‌کند و شامل حفظ فرج از اهداء جنین نیز می‌شود؛ زیرا جز همسر و کنیز باقی راه‌های استمتاع و استیلا ممنوع گشته‌اند. نگارنده به [آیه ۲۳ سوره](#) نیز استناد کرده است (ص ۵۲-۵۷) [نساء](#).

نویسنده همچنین به چند روایت برای اثبات حرمت اهداء جنین اشاره کرده است. طبق این روایات ریختن منی در رحم زن نامحرم هم‌ردیف تخریب کعبه و کشتن امام و پیامبر شدیدترین عذاب را برای مردی می‌دانند که نطفه‌اش را در رحم [\[۱\]](#) دانسته شده است، زنا را قرار دادن نطفه در غیرموضع مجاز و شرعی [\[۲\]](#) زن نامحرم قرار می‌دهد، و زنا را سبب اختلاط انساب، فساد و از بین رفتن نظام ارث [\[۳\]](#) می‌دانند اطلاق و عموم این روایات شامل اهداء جنین نیز می‌شود، زیرا همانند زنا، [\[۴\]](#) می‌دانند نطفه مرد در رحم زن نامحرم قرار می‌گیرد (ص ۵۲-۶۵).

تُه دلیل دیگر که نویسنده برای حرمت اهداء جنین استخراج کرده است، عبارتند از: مبنی بر قبح قرار دادن جنین حاصل از اسپرم مرد در رحم زن نامحرم [ارتکاز متشرعه](#) (۱) با انتقال مسیر خلقت از لقاح طبیعی به [تغییر خلق خدا](#) (در اذهان تمام مسلمان؛ ۲ اهداء جنین؛ ۳) اختلاط انساب با دخالت شخص ثالث در فرآیند بارداری؛ (۴) نفی [کرامت](#) به دلیل اینکه اهداء جنین به مثابه خرید و فروش جنین مانند یک کالا است؛ (۵) زاد [انسانی](#) و ولد غیرطبیعی به دلیل عدم مطابقت استیلا به روش اهداء جنین با امر الهی که همان استیلا از روش طبیعی است؛ (۶) تضییع حقوق کودک به دلیل عدم شناختن والدین خودش؛ (۷) مستلزم انجام اقدامات حرام مانند استمناء، کشف عورت و لمس؛ (۸) مخالفت با مشیت الهی و (۹) حرمت زنا زیرا افساد نطفه و اختلاط نسب و از بین رفتن نظام ارث (که در زنا هست، در اهداء جنین هم هست (ص ۶۵-۷۲).

نگارنده پس از استخراج ادله‌ای که بر حرمت اهداء جنین ارائه شده، به ارزیابی آنها می‌پردازد. مثلاً درباره استناد به آیات سوره نور به این نکته اشاره می‌کند که علت حذف

متعلق وضوح متعلق نزد مخاطب است و لذا افاده عموم نمی‌کند. علاوه بر این، در زمان نزول قرآن انتقال منی به رحم محدود به مقاربت جنسی بوده است و حتی امروزه نیز به دلیل کثرت استعمال، ظهور در مقاربت جنسی دارد و حمل آن بر فرد خفی یعنی اهداکننده جنین دشوار است. اشکال دیگر بر استدلال به این آیه روایت امام صادق(ع) است که مقصود از حفظ در همه آیات قرآن را حفظ از زنا می‌داند، مگر آیه سوره نور که آخرین اشکال به استدلال به آیات سوره نور این [۵]. مقصود از حفظ، حفظ از نگاه است است که نوعی مصادره به مطلوب در استدلال ارائه شده از سوی مخالفان اهدای جنین به این آیات وجود دارد (ص ۷۳-۷۹).

مؤلف درباره روایات طرح شده برای اثبات حرمت اهداء جنین، معتقد است که بیشتر آنها دارای ضعف سند هستند (ص ۸۱-۸۵). نگارنده در نقد استدلال به ارتکاز متشرعی، منشا این قبح را تعصبات اجتماعی می‌داند، همان‌طور که در ازدواج موقت نیز چنین است نظر مفسرین بیان می‌کند که (ص ۸۵). مؤلف در نقد استدلال به تغییر خلق با ارائه مقصود تغییر در آیه، تغییر دین الهی است و ارتباطی به مسئله اهدای جنین ندارد. علاوه بر این کارهایی مثل پیوند زدن درختان با هم و درمان بیماری که طبق استدلال قائلین به حرمت نوعی تغییر در خلق محسوب می‌شوند، باید طبق این نگاه حرام باشند، در حالی که کسی به حرمت این موارد به دلیل ایجاد عسر و حرج قائل نیست (ص ۸۶-۸۹). (۹۶-۸۹) نویسنده باقی ادله را نیز نقد و بررسی کرده و اشکالاتی بر آنها وارد می‌کند.

جواز اهداء جنین

قائل به جواز مطلق اهداء جنین و محمد زیدی طبق گزارش مؤلف سید علی خامنه‌ای نیز وارد نمودن اسپرم مرد اجنبی را در رحم زن مسلمان حرام یوسف صانعی هستند. می‌داند، اما معتقد است حرمت عمل با رضایت شوهر برطرف می‌شود، زیرا موجب حرج زن و شوهر شده و حرج رافع این‌گونه حرمت‌هاست (ص ۹۹). البته همه فقهای که بر جواز اهداء حکم کرده‌اند، بر رضایت زوجین اهداءکننده تاکید کرده‌اند (ص ۱۰۰). طبق است و اینکه هیچ و اصالت برائت گزارش نگارنده عمده دلائل قائلان به جواز، اصالت اباحه کدام از دلائل قائلان به حرمت را وافی و کافی نمی‌دانند.

نویسنده معتقد است در بحث اهداء جنین امکان اجرای دو اصل وجود دارد؛ ۱) اصل برائت؛ زیرا در تمام اقسام شک در تکلیف، اصالت برائت جاری است و ۲) اصل احتیاط؛ به دلیل تأکید آموزه‌های دینی بر لزوم احتیاط در فروج و اینکه در هر دو مساله توالد و تناسل، (احتیاط مطرح است) (ص ۱۰۳-۱۰۴).

نگارنده با طرح دو روایت و بررسی آنها در نهایت به این نتیجه می‌رسد که در بحث اهداء جنین باید اصالت برائت جاری شود و رعایت احتیاط لازم نیست، زیرا وقتی تمام ادله قائلان به حرمت رد شده باشد، به دلیل نبود روایات و آیات در باب این مساله، تنها راه رجوع به اصل عملی (اصالت برائت) و حکم به جواز است. البته اخباریون در این مساله قائل به احتیاط هستند. نویسنده معتقد است دو حساسیت مهم در اهداء اسپرم (اختلاط میاه و تماس مستقیم اسپرم با رحم بیگانه) در اهداء جنین وجود ندارد، لذا نباید حکم

اولی را به دومی تسری داد (ص ۱۰۴-۱۱۱). مولف در نهایت معتقد است در مسائلی که اهمیت اجتماعی دارند وظیفه افراد مراجعه به فتوای ولی فقیه است که در این مورد نظر آیت الله خامنه‌ای بر جواز اهداء جنین است (ص ۱۱۵).

مولف همچنین با جستجو در منابع فقهی اهل سنت، به استخراج نظر فقهای اهل سنت پرداخته که بیشتر متمایل به حرمت هستند که از جمله مواردی که از سوی ایشان حرام دانسته شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (۱) تلقیح نطفه زوج و تخمک زن اجنبی که در رحم زوجه قرار گیرد؛ (۲) تلقیح نطفه مرد اجنبی و تخمک زوجه که در رحم زوجه قرار گیرد؛ (۳) تلقیح خارجی بین اسپرم و تخمک زوجین که در رحم استیجاری قرار گیرد؛ (۴) تلقیح خارجی بین اسپرم مرد اجنبی و تخمک زن اجنبیه که در رحم زوجه قرار گیرد و (۵) تلقیح خارجی بین اسپرم و تخمک زوجین که در رحم همسر دوم قرار گیرد (ص ۱۱۲-۱۱۳).

قالب حقوقی اهداء جنین

نگارنده برای ایجاد قالب حقوقی قابل انطباق با اهداء جنین به بررسی پنج عقد صلح، بیع، هبه، وکالت و قرارداد خصوصی و دو عنوان غیرعقدی اعراض و اذن می‌پردازد.

به گفته او در صورتی که اهداء جنین را در قالب صلح بدانیم، اهداکننده حق رجوع نخواهد داشت، زیرا صلح عقدی لازم است؛ اما مشکل صلح این است که بر امر غیرشرعی مثل واگذاری حق پدر و مادری از اشخاص اهداکننده به اشخاص اهداگیرنده نافذ نیست و حق و تکلیف شرعی و قانونی قابل اسقاط و نقل و انتقال نیست، لذا نمی‌توان اهداء جنین را در قالب عقد صلح قرار داد (ص ۱۲۰-۱۲۱).

نگارنده در بحث بیع بودن اهدا جنین معتقد است که طبق نظر فقهای همچون سید و سید علی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، سیدعلی خامنه‌ای، یوسف صانعی دریافت وجه اشکالی ندارد. البته دو تن از این فقها (موسوی اردبیلی و سیستانی خامنه‌ای) این قید را اضافه کرده‌اند که دریافت وجه برای رضایت‌دادن جایز است، نه معامله، لذا نمی‌توان اهداء جنین را بیع دانست (ص ۱۲۲-۱۲۴). نویسنده کتاب با استناد به دلایلی بیان می‌کند که نمی‌توان اهداء جنین را در قالب وکالت و هبه نیز قرار داد (ص ۱۲۵-۱۲۷).

در صورتی که اهداء جنین قراردادی خصوصی باشد شامل مراحل است. در مرحله نخست که صاحبان اسپرم و تخمک می‌توانند سلول‌های جنسی خود را به مراکز درمان ناباروری تحت عقد بیع بفروشند، با فرض این که نازایی بیماری است و اهداء جنین مداوای آن است. مرحله دوم انتقال جنین به رحم است. طبق گفته نگارنده در این مرحله چون معارض با کرامت انسانی است نباید تحت هیچ عقدی درآید، ولی اهداءکنندگان به دلیل مشارکت در فرایند درمان استحقاق دریافت عوض را دارند (ص ۱۲۷-۱۲۹). مولف در نتیجه بحث همین احتمال را می‌پذیرد (ص ۱۳۳).

مولف اهداء جنین را در قالب اعراض نیز قلمداد نمی‌کند، زیرا اعراض سبب قطع رابطه نسبیت اهداکننده با کودک حاصل از جنین نمی‌شوند (ص ۱۳۱). همچنین اهداء جنین را

نمی‌توان تحت عنوان اذن قرار داد، زیرا اذن عملی یک‌جانبه است و اهداء عملی است دو جانبه بین اهداکننده و موسسات یا شخص گیرنده (ص ۱۳۱)

مولف در پایان پس از بیان نظر خود درباره قالب حقوقی اهدای جنین، موضوعاتی را به عنوان پژوهش‌های بایسته پیشنهاد می‌کند که بیشتر پیرامون آثار حقوقی و مدنی اهدای جنین است. در بخش پایانی کتاب نیز تحت عنوان ضمائم نگارنده مواد قانونی در باب بحث اهداء جنین را ذکر می‌کند (ص ۱۳۳-۱۴۰)

